

صلح و آشتی در شعر شاملو

سیلان رستمی

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی پیام نور بیجار

چکیده

واژه‌های صلح، آشتی و عشق از دیرباز جزو واژه‌های پرکاربرد تاریخ بشر بوده‌اند. این واژه‌ها در مکاتب مذهبی، سیاسی، عرفانی و ادبی فراوانی به‌وفور به کار برده شده‌اند. از آنجایی که این واژه‌ها مفاهیمی شکننده و ظریف هستند، تلاش‌های زیادی برای تحقق آن‌ها انجام شده است تا آنجایی که یکی از مهم‌ترین اهداف روابط بین‌المللی و حتی ملی برقراری صلح و دوستی می‌باشد. مقوله صلح را نمی‌توان از ارزش‌های انسانی همچون آزادی، عدالت، امنیت، دوستی، عشق و محبت جدا دانست؛ بنابراین صلح و عدالت و امنیت عناصر لازم و ملزوم همدیگر هستند. یکی از مقوله‌هایی که زمینه‌ساز برقراری صلح و دوستی می‌باشد، ادبیات به معنای کلی و مقوله شعر به معنای خاص می‌باشد. شعر و ادبیات از مفاهیم مشترک همه ملت‌ها می‌باشند. از آنجایی که این واژه‌ها تجلی‌گاه احساسات ناب، پاک و مشترک بشری می‌باشند، می‌توانند بر نقاط تفاهم انسانی انگشت گذارده و سطح مدارای بشر را افزایش دهند. ادبیات فارسی، به‌عنوان یکی از غنی‌ترین ادبیات‌های جهانی، از ابتدا بر عشق و دوستی پافشاری می‌کرده است. شعر نیمایی نیز، به‌عنوان شاخه‌ای از ادبیات کهن فارسی، همواره پیام‌آور عشق، صلح و دوستی بوده است. در ادبیات فارسی علاوه بر آثار کلاسیک، شعر نیمایی از آغاز، پیام‌آور ارزش‌های تازه‌ای برای انسان ایرانی بوده است. شاملو با محور قرار دادن انسان در شعر خود، به‌نوعی به‌تمامی دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی هم چون برادری، صلح و امید در شعر میدان می‌دهد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این مسئله است که مفهوم صلح تا چه میزان در اشعار شاملو قابل استنباط است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، صلح، دوستی، عشق، شعر

مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه

دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۱۶۲-۱۵۲